

الزامات برنامه ریزی فرهنگی در اوقات فراغت با تأکید بر فقه نظام مدیریت فرهنگی

سید محمد طباطبائی^۱

چکیده

فقه نظام مدیریت فرهنگی عبارت است از احکام کلان مربوط به سطوح مدیریت عرصه های فرهنگ که حاکمیت، نظام های اجتماعی و نظام های رفتاری موظف به اجرای آن هستند. اوقات فراغت به عنوان یک موضوع فقهی در ذیل فقه نظام مدیریت فرهنگی جای می گیرد و از این منظر، موضوعی به شمار می آید که در نظام فرهنگی مستقر از چهار عنصر لذت جویی، آزادی های فردی، رسوم اجتماعی و انس مذهبی تشکیل شده است و با چهار متغیر شغلی، خانوادگی، آموزشی و شخصیتی به عنوان عناصر مرتبط در آمیخته است. بر این اساس، نویسندگان با استدلال به قواعد فقهی چهار گانه ی انکار بدعت، حرمت تعطیل سنت، اقامه حق و عدل و انصاف و امتداد احکام فقه خرد گذران اوقات فراغت در فقه نظام، فروع فقه نظام مدیریت فرهنگی در گذران اوقات فراغت را تبیین کرده و سپس احکام برنامه ریزی فرهنگی در عناصر مرتبط با اوقات فراغت در فقه نظام را مورد بحث قرار داده است.

واژه های کلیدی: اوقات فراغت، مدیریت فرهنگی، فقه نظام.

۱. مقدمه

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ناظر به تمدن سازی است و فرهنگ، بخشی از بدنه ی این تمدن را تشکیل می دهد. از این منظر، از یک سوی، تحقق الگو و اسناد آن مبتنی بر پیشرفت فرهنگی است و از سوی دیگر، سبک زندگی از حوزه های فرهنگی و از مسائل آن، مسأله گذران اوقات فراغت است و به همین جهت، طرح الزامات شرعی برنامه ریزی فرهنگی این مسأله ضرورت می یابد. زیرا برنامه ریزی و مدیریت، امری حاکمیتی است و تحقق پیشرفت فرهنگی در اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط حاکمیت صورت می پذیرد که باید در چارچوب فقه نظام مدیریت فرهنگی به الزامات آن پرداخت.

۲. مفاهیم

۲-۱. برنامه ریزی فرهنگی^۲

برنامه ریزی به طور کلی مفهومی سازمانی است که عبارت است از: «فرایند تعیین هدف و انتخاب راه، روش یا وسیله جهت تأمین این هدف.» (استونر و دیگران، ۱۳۷۹، ۴۴۳) اگر برنامه ریزی را مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرایند ها بدانیم - که نتیجه ی آن ممکن است موفقیت آمیز باشد یا نه- بر این اساس،

۱. حوزه علمیه قم، آدرس الکترونیکی نویسنده مسئول: Email: pasokhgooy@chmail.ir

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

برنامه ریزی فرهنگی را نیز می توان کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان یافته دولت برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه های مختلف فرهنگی دانست. (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۸۷، ۸۵ به نقل از: اکبری، ۱۳۸۱، ۱۴)

۲-۲. اوقات فراغت^۱

«به طور کلی می توان فعالیت هایی را که افراد بر اساس علاقه شخصی و خارج از حوزه کار و پس از رهایی از تکالیف فردی و اجتماعی انجام می دهند و هدف آن ها استراحت، تفریح و یا خودشکوفایی است فعالیت گذران اوقات فراغت نامید.» (محسنی، ۱۳۸۶، ۲۹۳) ژوفر دومازدیه^۲، چهار ویژگی را برای اوقات فراغت بر می شمارد: رهایی از نوع معین وظایف نهادی-اجتماعی، خصلت جانب نادارانه نسبت به سود و هدف، خصلت لذت جویانه و رفع نیاز های شخصیت انسان با سه کارکرد رفع خستگی، تفریح و تقویت نیروهای آزاد انسان در برابر کارهای تکراری و قراردادی. (دومازدیه، ۱۳۵۲)

۲-۳. فقه نظام مدیریت فرهنگی

«فقه نظام مدیریت فرهنگی» ترکیب واژگانی از دو مفهوم فقه نظام و مدیریت فرهنگی است. فقه نظام -به عنوان یکی از رویکرد های فقه حکومتی- با سه نوع نگرش تعریف می شود. نگرش نخست، تعریف شهید آیت الله صدر است. مبتنی بر این دیدگاه، نظام، تنظیم بخش حیات اجتماعی در راستای رفع احتیاجات بشر است (صدر، ۱۴۱۷، ۳۲۶) و فقه باید نظامات مختلف اجتماعی همچون «نظام سیاسی، نظام فرهنگی و نظام اقتصادی» را به صورت مجموعه ای منسجم و هماهنگ که دارای مبنا و هدف واحدی می باشد ارائه داده و بستر حیات اجتماعی را تحت آموزه های دین ساماندهی نماید. (میرباقری و دیگران، ۱۳۹۵، ۶۲-۶۳) در نظریه شهید صدر، شیوه موضوع شناسی، مجموعه نگر است و عنوان متعلق حکم به افراد تعلق نمی گیرد بلکه در نسبت میان عناصر درون نظام تحقق می یابد. تکلیف به افعال هماهنگ افراد در ارتباط با یکدیگر در نظام تعلق می یابد و متعلق به آحاد افراد نمی شود و تطبیق نظام بر کل است نه عناوین کلی بر افراد و مصادیق. (میر باقری، ۱۳۹۵) نگرش دوم، تعریف آیت الله محسن اراکی -از شاگردان شهید صدر- است. این تعریف بیانگر فقه مربوط به احکام رفتار های اجتماعی به عنوان اراده مشترک افراد جامعه است. وی معتقد است: «رابطه سیستماتیک احکام فرع چیز دیگری است؛ فرع وجود یک مکلفی به نام مکلف کلان است. ... ما برخی تکالیفی داریم که مخاطب این تکالیف اصولاً جمع مرکب حاکم و محکوم است. ... این فقه نظام است و اگر ما می بینیم که احکام فقهی ما نظام مند هستند، به دلیل این است که این احکام فقهی در چارچوب یک همچنین رابطه ی بین حاکم و محکوم دیده شده است.»^۳ نویسنده با پذیرش برخی از روش های استنباط در دو نگرش نخست، نگرشی دیگر در فقه نظام دارد. بر اساس این نگرش، نظام های رفتاری، کنش های سازمان یافته ای هستند که درون نظام های اجتماعی -به عنوان مجموعه و کل حاصل از اراده مشترک اجزاء- شکل می گیرد و فقه نظام به بیان حکم هر دو نظام می پردازد. در این دیدگاه، موضوع شناسی فقه نظام، نیازمند تحقیق اجتماعی و مرکب از عناصر متشکل از مجموع اجزاء و متغیر های نظام های اجتماعی و رفتاری و جامعه -مکلفان

1. Leisure

2. Joffer Dumazedier

۳. سخنرانی آیت الله محسن اراکی در مراسم افتتاحیه پژوهشگاه فقه نظام، ۱۵ شهریور ۱۳۹۶

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اجتماعی و کنش های اجتماعی- است. بر طبق این نظریه، خطابات شارع- به عنوان خطابات جامع^۱- به رفتار شئون مکلفان در نظام تعلق می گیرد و پس از انتقال به رفتار نوع مکلفان بر رفتار افراد انطباق می یابد. مقصود از شأن در این نظریه، موقعیت، پایگاه، نقش و شخصیت شرعی مکلف- شخصیت عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، خانوادگی و...- است که در ذیل نظام های اجتماعی و رفتاری شکل می گیرد. بنابر این تعریف، رفتار و تکلیف مکلفان در سه مرتبه کلان (شئون مکلفان در نظام)، عامّ مجموعی (نوع مکلفان) و فرد مصداق می یابد. با این توضیح، فقه نظام مدیریت فرهنگی عبارت است از احکام کلان مربوط به سطوح مدیریت عرصه های فرهنگ که حاکمیت، نظام های اجتماعی- نظام فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام حقوقی و نظام آموزشی- و نظام های رفتاری موظف به اجرای آن هستند. این احکام، مشتمل بر قواعد فقهی و احکام عامّه است که در اثر ارتباط منسجم، یک نظام-الگوی الزام آور را شکل می دهند. «مدیریت فرهنگی، علم و هنر به کار گیری منابع و نیروها از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل آن ها برای دستیابی به اهداف تعریف شده در عرصه فرهنگ است.» (صالحی امیری، ۱۳۸۷، ۶۴) فقه نظام مدیریت فرهنگی از چهار بخش اصلی تشکیل می شود: فقه سازمانی فرهنگ (نظام رهبری، سیاست گذاری و برنامه ریزی)، فقه مدیریت فرهنگ عمومی، فقه مدیریت خرده فرهنگ و فقه مدیریت میان فرهنگی (روابط مبتنی بر تفاهم و روابط مبتنی بر امنیت-قدرت). مسأله گذران اوقات فراغت در ذیل فقه مدیریت فرهنگ عمومی جای می گیرد.

۳. موضوع شناسی اوقات فراغت در فقه نظام

برای موضوع شناسی اوقات فراغت در فقه نظام، لازم است ابتدا تعریف عملیاتی از اوقات فراغت صورت گیرد و پس از شناخت عناصر اجتماعی مرتبط به تبیین آن در سطح نظام فرهنگی مستقر پرداخته شود.

۳-۱. تعریف عملیاتی اوقات فراغت

اوقات فراغت در تعریف عملیاتی عبارت از زمان بندی خارج از کار تعیین شده و رسمی است و به عنوان یک متغیر با گویه هایی تعریف شده است. «این گویه ها، در مجموع معرف دو سبک گذران اوقات فراغت (سبک بومی و سبک غربی) هستند که با توجه به چهار معیار دارا بودن اهداف مذهبی، جمع گرایی، تحرک و تنوع از یکدیگر متمایز شده اند.» (چابکی، ۱۳۹۲، ۱۴۹) استفاده از رسانه ها (تلویزیون-تماشای فیلم، مستند، فوتبال و...- رادیو، شبکه های اجتماعی، پیام رسان ها و وب سایت ها)، ارتباط با همسالان (مراجعه به گیم نت، کوهنوردی، سینما، استفاده از قلیان، قدم زدن در خیابان و پارک، شرکت در اعتکاف، ورزشگاه و...)، تفریحات فردی (گوش دادن به موسیقی، استفاده از بازی های رایانه ای و اینترنت)، گردشگری های شهری و سفری، مراسم های شبانه (شرکت در نماز جماعت مغرب و عشا، هیئات مذهبی، جشن و شب نشینی)، مطالعه کتاب، روزنامه و مقالات، انس با قرآن، ورزش

۱. نظریه خطابات جامع، مدعی نگارنده و متکی بر ادله عقلی و نقلی است. ادله عقلی متکفل مبانی اجتماعی-تناسب خطاب شرعی با زیست اجتماعی انسان در نظام های اجتماعی و اراده مشترک حاصل از اجزاء، نهادها و خرده نظام ها- و مبانی فلسفی-تناسب خطاب شرعی با ساختار حاکم بر اعتباریات در تحصیل اراده مشترک نظام های اجتماعی- و ادله نقلی مبتنی بر وجود تعلق خطابات شرعی در ادله به عناوین دلالت کننده بر شخصیت مکلفان-مانند رسول، ولی، حاکم، وکیل، کفیل، ضامن و امین- است.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

های انفرادی و همگانی و آموزش های فوق برنامه (موسیقی، زبان انگلیسی و ورزشی) از مهم ترین گویه های مرتبط و شایع ترین صور گذران اوقات فراغت در جامعه ایرانی است.

۳-۲. عناصر مرتبط با اوقات فراغت

عناصر مرتبط با اوقات فراغت، متغیر های شغلی (میزان ارتباط فعالیت کاری و نیاز به اوقات فراغت)، خانوادگی (ساختار مدیریتی-تربیتی خانواده و میزان ارتباط اعضای آن در اهتمام به اوقات فراغت)، آموزشی (شیوه و محتوای آموزش های رسمی و غیر رسمی فراگیر و غیر فراگیر و میزان درک و تأثیر آن توسط فرد از اوقات فراغت) و شخصیتی (میزان تأثیرات جنسیتی، سنی و محیطی در شخصیت) در زیست فردی و اجتماعی افراد است که در شکل گیری بستر ها، دلایل و انگیزه های شیوه گذران اوقات فراغت نقش مؤثری دارند. افراد به تناسب هر کدام از متغیر ها، در مواجهه با اوقات فراغت رفتار های متفاوتی از خود نشان می دهند.

۳-۳. اوقات فراغت به عنوان مسأله ای در نظام فرهنگی

موضوع شناسی فقهی اوقات فراغت از طریق کشف نظام فرهنگی حاکم بر صور گذران اوقات فراغت و عناصر مرتبط با آن به دست می آید. زیرا:

- هرگونه رفتار اجتماعی معلول نظام اجتماعی حاکم بر آن است و رفتار فرهنگی در اوقات فراغت به عنوان بخشی از رفتار اجتماعی در ذیل نظام فرهنگی تعریف می شود.
 - موضوع فقه نظام، شئون نظام های اجتماعی است و هر مسأله اجتماعی -مانند اوقات فراغت- در نظام حاکم بر آن شئون باز تعریف می شود.
 - نظام های فرهنگی از طریق جهان های اجتماعی (پارسانیا، ۱۳۹۵) و بر اساس وحدت اجتماعی باز تولید می شود که کشف نظام از مسأله مبتنی بر آن است.
- ◀ بنابر آن چه گفته شد، موضوع شناسی اوقات فراغت با توجه به سه جهت تبیین می گردد: وجود ارتباط میان فرهنگی میان دو جهان اجتماعی شیعی و مدرن، اوقات فراغت به عنوان مسأله ی نظام فرهنگی مستقر و کنش های اجتماعی در صور گذران اوقات فراغت که وحدت اجتماعی را در این باره رقم زده است. با این توضیح، اوقات فراغت به عنوان یک موضوع در فقه نظام مدیریت فرهنگی، عبارت از حدود زمانی نامعین است که گذران آن مبتنی بر چهار عنصر لذت جویی، آزادی های فردی، رسوم اجتماعی و انس مذهبی (مانند عبادت و زیارت) شکل می یابد. به عبارت دیگر، اوقات فراغت در نظام فرهنگی مستقر در جامعه ایرانی با دو عنصر مدرن و دو عنصر بومی -یک عنصر ایرانی و یک عنصر شیعی- آمیخته شده و ماهیت شبه مدرن به خود گرفته است. در سطح خرد این نظام و رفتار افراد، گاه عناصر مدرن و گاه عناصر بومی از یکدیگر پیشی گرفته اند اما در سطح کلان، نظام فرهنگی مستقر با هر چهار عنصر باز تولید شده است.

۴. الزامات فقهی برنامه ریزی گذاری فرهنگی در اوقات فراغت

۴-۱. برنامه ریزی فرهنگی در قواعد فقه نظام مدیریت فرهنگی

۴-۱-۱. قاعده ی انکار بدعت

سنت -در معنای خاص خود- فرهنگ حق و بدعت، فرهنگ باطل است که شامل مطرح کردن مفاهیم، اندیشه ها و سبک زندگی غیر دینی با عنوان امر دینی می شود. وجوب انکار بدعت گذار به عنوان یک قاعده فقهی در تمام فروع فقه نظام مدیریت فرهنگی قابل تبیین است. امیر المؤمنین (ع) در صحیحہ حفص بن عمرو می فرماید: «من مشی إلی صاحب بدعة فوقره فقد مشی فی هدم الإسلام.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۲۶۸) وجوب طرد بدعت گذار از جامعه - به دلالت التزامی ارتباط میان نابودی اسلام و بزرگداشت بدعت گذار- از این روایت استفاده می شود. امام (ع) در صحیحہ موسی بن اسماعیل با بیان مطلوبیت ردّ بدعت گذار می فرماید: «من ردّ علی صاحب بدعة بدعته فهو فی سبیل الله» (ابن اشعث، بی تا، ۱۷۲) مطلوبیت ردّ بدعت گذار بر اساس مناسبات حکم و موضوع، مطلوبیت الزامی است و دلالت بر مشروعیت قاعده دارد. با پذیرش این قاعده بر حکمرانان واجب است مسائل فرهنگی مشروع و نامشروع را تفکیک کرده و با به کارگیری نظام اجرایی راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی در برنامه ریزی فرهنگی، از وقوع بدعت ها پیشگیری و با آن مقابله نمایند. این قاعده با استدلال به مفهوم موافق بر انکار فرهنگ کفر دلالت دارد و واجب است گذران اوقات فراغت در فرهنگ عمومی بر اساس قواعد مدیریت فرهنگی و مطابق با این قاعده تعدیل شود. به عنوان مثال، مشاهده ی فیلم های آمریکایی و استفاده از بازی های رایانه ای در نوع نگرش هنجاری و سبک زندگی نوجوانان و جوانان به روابط زن و مرد تغییراتی ایجاد کرده است که موجب تردید در ترک محرّمات آن و زمینه ی انکار مشروعیت احکام اسلامی در حجاب و دوست یابی در این رده های سنی شده است. این یافته ی اجتماعی، با روش تحقیق مشاهده ای به دست آمده است و تأثیر نحوه گذران اوقات فراغت را بر نوع نگرش به مذهب و پایبندی در آن نشان می دهد. این گروه مسائل اجتماعی در ذیل قاعده ی انکار بدعت مورد بحث قرار می گیرد زیرا حلال دانستن حرام و حرام دانستن حلال مصداقی از بدعت به شمار می آید.

۴-۱-۲. قاعده ی حرمت تعطیل سنت

واژه «سنت» در این قاعده شامل سنت رسول خدا (ص)، مستحبات شریعت و هر سنت فرهنگی-اجتماعی است که مورد انکار شارع قرار نگرفته یا امضا شده است. رسول خدا (ص) در صحیحہ سکونی درباره فعل معروف می فرماید: «من أتى إلیه معروف فلیکافیء به فإن عجز فلیئن علیه فإن لم يفعل فقد کفر النعمة» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۳۱۰) این روایت دلالت بر مطلوبیت الزامی اهتمام به سنت های معروف فرهنگی-اجتماعی دارد. امیرالمؤمنین (ع) در منشور حکومتی به مالک اشتر می فرماید: «لا تنقض سنةً صالحه عمل بها صدور هذه الأمة و إجتمعت بها الألفه و صلحت علیها الرعيه و لا تُحدثن سنةً تضرّ بشيء من ماضی تلك السنن فیکون الأجر لمن سنّها و الوزر علیک بما نقضت منها» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۴۳۱) آیت الله محسن اراکی درباره حرمت تعطیل سنت رسول خدا (ص) به آیات ۲۱ احزاب، ۳۱ آل عمران و ۱۵۸ اعراف و چهار روایت صحیحہ از نوفلی، ابن ابی عمیر و زراره استدلال می کند و درباره مدلول آن ها می گوید: «از این روایات استفاده می شود فرد و جامعه ی اسلامی حق ندارد رفتار خود را به

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

گونه ای جهت دهد که منجر به ترک مطلق سنت رسول الله (ص) گردد. از جمله نتایجی که بر این مطلب بار می شود این است که در بسیاری موارد اعمالی که در فقه خرد یا فقه فردی اعمالی مستحب به شمار می آیند و ترک آن ها برای فرد مجاز است، در فقه کلان ترک آن ها - یعنی ترک آن ها به وسیله همه جامعه - غیر مجاز خواهد بود؛ زیرا منجر به تعطیل کامل سنت رسول الله (ص) می شود و تعطیل سنت رسول الله (ص) مجاز نیست. (اراک، ۱۳۹۷، ۸۰) البته ترک سنت در فقه نظام صرفاً شامل ترک جامعه نمی شود بلکه مشتمل بر ترک شئون و اجزای نظام های اجتماعی و حاکمیت نیز می گردد. گذران اوقات فراغت ممکن است به تعطیل هر کدام از سنت ها انجامد یا خود نیز مصداقی از سنت حسنه باشد. برای مثال، کتاب خوانی می تواند به عنوان یک سنت فرهنگی-اجتماعی مطرح شود که آثار نیکویی بر رفتار اجتماعی و فرهنگ عمومی دارد یا در مقابل، افزایش استفاده از شبکه های اجتماعی مانع از سنت دید و بازدید خانواده ها و صمیمیت آنان شود. بر حکمران واجب است به مدیریت فرهنگی در احیای این سنت ها و جلوگیری از تعطیل آن ها اقدام نماید.

۳-۱-۴. قاعده ی اقامه حق

حقیقت، حق و غیر از حقیقت، باطل است و بر این اساس، باید فرهنگ ها از منظر انتقادی و ارزش گذاری با معیار حق و باطل بررسی شوند. امیر المؤمنین (ع) در تعلیل حکمرانی خود - با مقایسه میان پوشیدن نعلین و خلافت مسلمانان - می فرماید: «والله لهی أحبّ الیّ من امرکم إلا أن أقیم حقاً أو أدفع باطلاً» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۷۶) و جوب اقامه حق و دفع باطل به عنوان یک قاعده فقهی قابل تعمیم در مدیریت فرهنگی به عنوان امری حاکمیتی است و اگر فرهنگ عمومی دچار گناهان - به عنوان رفتار فرهنگی باطل - شود، اطلاق اقامه حق بر وجوب برنامه ریزی فرهنگی در جلوگیری از این امور دلالت دارد. مسأله گذران اوقات فراغت نیز از این قاعده مستثنا نیست. برای نمونه، اگر فعالیت در فضای مجازی به گونه ای باشد که موجب تضییع حقوق مادی و معنوی دیگران شود با اقامه ی حق منافات دارد و باید با استدلال به این قاعده، از شکل گیری و تداوم چنین فرهنگی در جامعه ممانعت به عمل آید.

۴-۱-۴. قاعده ی عدل و انصاف

مدلول قاعده عدل و انصاف در فقه نظام مدیریت فرهنگی، وجوب رعایت برابری مردم در استفاده از نیاز های فرهنگی جامعه است. بر طبق این قاعده، واجب است حکمرانان فضاهای فرهنگی شرعی مانند مسجد و فضاهای فرهنگی عرفی مانند کتابخانه ها و سایر احتیاجات فرهنگی را به صورت دسترسی برابر در اختیار مردم قرار دهند. این قاعده با اخذ مفهوم موافق از روایت علوی (ع) در وجوب دسترسی برابر مردم به حاکمان و رفتار برابر با آنان استفاده می شود. امیر المؤمنین (ع) در منشور حکومتی به مالک اشتر او را به رعایت ضعیفترین مردم در نماز جماعت و رفع احتجاب (منشی داشتن) از ارتباط با آنان فرمان می دهد: «و إذا قمت فی صلاتک فلا تکون منفرأ و لا مضیعاً فإنّ فی الناس من به العلة و له الحاجة ... و أما بعد، فلا تطولنّ احتجاجک عن رعیتک فإنّ احتجاج الولاة عن الرعیة شعبه من الضیق و قلّة علم بالأمور» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۴۴۰-۴۴۱) اگر در نیاز مردم به ارتباط با حکمران واجب است رفع حاجات به صورت برابر و بدون واسطه برقرار گردد؛ واجب است به طریق اولویت در تمام نیازهای حکومتی - مانند فضاهای فرهنگی - این برابری وجود داشته باشد. یعنی اگر واجب است حاکم احتیاجات مردم را به

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

صورت کامل برطرف نماید نمی تواند در رفع احتیاجات فرهنگی آنان مرتکب تبعیض شود. آیت الله محسن اراکی نیز با استفاده از مجموعه ی روایات، وجوب مرکزیت مسجد را پذیرفته است و در این باره می گوید: «مسجد اعظم یا مسجد جامع، مسجدی است که محل برگزاری نماز جمعه و جامع همه ی مردم شهر است و چون برای همه ی مردم شهر وضع شده است قاعده ی عدل و انصاف اقتضا می کند این مسجد در محلی باشد که مسافت آن برای مردم ساکن در هر جهت از جهات شهر برابر باشد. این که چنین مسجدی برای مردمی که در یک سمت شهر زندگی می کنند با کمترین هزینه ی جسمی و مالی در دسترس باشد در حالی که دسترسی به آن برای آنان که در سمت دیگر شهر زندگی می کنند موجب هزینه ی جسمی و مالی بیشتری باشد با قاعده ی عدل و انصاف سازگار نیست.» (اراکی، ۱۳۹۷، ۵۷) بنابر این قاعده، واجب است حکمرانان نسبت به نیاز و دسترسی برابر مردم به مکانی برای گذران اوقات فراغت به عنوان یک مسأله فرهنگی اهتمام داشته باشند. این مکان می تواند مسجد، فضای سبز یا اماکن رفاهی باشد.

۴-۲. احکام اوقات فراغت در فقه خرد و امتداد آن در فقه نظام

۴-۲-۱. استحباب گذران اوقات فراغت به صورت جمعی

از دو دسته روایات، استحباب گذران اوقات فراغت به صورت جمعی استفاده می شود:

دسته اول، روایاتی است که بر مطلوبیت ارتباط و شوخی با یکدیگر و روابط زناشویی، دلالت می کند. امام باقر (ع) می فرماید: «لهو المؤمن فی ثلاثه أشياء: التمتع بالنساء و مفاکهة الإخوان و الصلابة باللیل» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۱۴) در این روایت، به غیر از نماز شب که امری عبادی و فردی است به اقدام های مطلوب لهوی اشاره شده است که رفتار جمعی به شمار می آید. امیرالمؤمنین (ع) در صحیحه سکونی می فرماید: «لقاء الإخوان مغنم جسیم و إن قَلّوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۱۷۹) کلینی در روایتی از رسول خدا (ص) نقل می کند: «کلّ لهو المؤمن باطل إلا فی ثلاثه: فی تأدبیه الفرس و رمیه عن قوسه و ملاعبته إمرأته» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۵۰) هرچند این روایت به لحاظ سندی، مرسله است و شیخ طوسی به صورت مسند با تعدادی از راویان ثقات و مجهول روایت کرده است. (طوسی، ۱۴۰۷) اما با لحاظ تجمیع سایر قرائن^۱ نبود خبر معارض، نبود راوی متهم و تسامح در ادله سنن - قابل پذیرش و معتبر است. واژه لهو در ادبیات دینی مرادف با گذران اوقات فراغت است. ابن منظور در لسان العرب می گوید: «الهُوُّ به لهوًّا و تلهیته به إذا لعبت به و تشاغلته و غفلت به عن غیره.» (ابن منظور، بی تا، ۱۵، ۲۵۹) یعنی لهو شامل بازی و هر مشغولیتی است که انسان را از کار های دیگر غافل و رها سازد. این معنا با تعریف اوقات فراغت سازگاری دارد.

دسته دوم، روایاتی است که دلالت بر مطلوبیت صلح ارحام می کند. امام صادق (ع) در صحیحه حکم بن ایمن حنات می فرماید: «صله الأرحام و حسن الجوار یعمران الدیار و یزیدان فی الأعمار» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۵۳۵) شوخی کردن و صلح ارحام، رفتار جمعی است و در زمان اوقات فراغت انجام می شود و مطلوبیت آن دو، بر مطلوبیت غیر الزامی (استحباب) گذران اوقات فراغت به صورت جمعی دلالت دارد. قطعاً این مطلوبیت در فقه نظام، الزامی است و

۱. تأکید نویسنده بر تجمیع قرائن در بررسی اعتبار روایات این پژوهش با توجه به مبنای موثوق الصدور در علم رجال الحدیث است که به جای سندگرایی محض، قرائن گوناگون حدیث را ملاک قضاوت درباره ی صحت و عدم صحت احادیث می داند.

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

حکمران باید آن را در مدیریت فرهنگی ترویج و فرهنگ سازی نماید زیرا ترک چنین رفتارهایی منجر به تعطیل سنت می شود.

۲-۲-۴. استحباب شوخی با یکدیگر در گذران اوقات فراغت

روایات مربوط به شوخ طبعی مؤمنان با همدیگر سه دسته است:

دسته اول، روایاتی است که به طور مطلق بر مطلوبیت این فعل دلالت دارد. یونس شیبانی در روایتی معتبر از امام صادق (ع) نقل می کند: «قال أبو عبدالله: كيف مداعبة بعضكم بعضاً؟ قلت: قليل. قال: فلا تفعلوا فإن المداعبة من حسن الخلق ... و لقد كان رسول الله (ص) يداعب الرجل يريده أن يسره» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۶۶۳)

دسته دوم، روایاتی است که به طور مطلق بر ذم آن دلالت دارد. محمد بن مروان در روایتی معتبر از امام صادق (ع) نقل می کند: «إياكم و المزاح فإنه يذهب بماء الوجه و مهابة الرجال» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۶۶۵) وجود اصحاب اجماع در سلسله ی سند و موافقت با مضمون صحیحه سعد بن ابی خلف از امام کاظم (ع) (کلینی، ۱۴۰۷) موجب پذیرش این خبر می شود.

دسته سوم، روایاتی است که شوخی با یکدیگر را با توجه به آثار آن ارزش گذاری می کند. از این روایات، ممنوعیت هتک حرمت و نزاع با مؤمن در فرهنگ عمومی و شوخی با یکدیگر استفاده می شود. امام صادق (ع) در صحیحه ابن ابی عمیر می فرماید: «إذا أحببت رجلاً فلا تمازحه و لا تماره» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۶۶۴) و در صحیحه عبدالله بن میمون القداح می فرماید: «قال أمير المؤمنين (ع) : إياكم و المزاح فإنه يجرّ السخيمه و يورث الضغينه و هو السب الأصغر» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۶۶۴) استدلال به این دسته از روایات، موجب انقلاب نسبت در تعارض روایات دو دسته نخست می شود و کیفیت گذران اوقات فراغت به صورت شوخی با یکدیگر را تبیین می کند. بنابر این، مستحب است گذران اوقات فراغت به صورت شوخی های میان افراد باشد و بر حکمرانان واجب است بر اساس قاعده حرمت تعطیل سنت- اسباب چنین سنتی و مقدمات تحقق آن- مانند برادری ایمانی- را -به عنوان مقدمه واجب- در جامعه فراهم کنند.

۳-۲-۴. استحباب استفاده از محیط زیست

استفاده از محیط زیست در اوقات فراغت به طور کلی شامل هر گونه بهره گیری از آن می شود. قرآن کریم در این باره می فرماید: «و هو الذي أنشأ جنات معروشات و غير معروشات و النخل و الزرع مختلفاً أكله و الزيتون و الرمان متشابهاً و غير متشابهة كلوا من ثمره إذا أثمر و اتوا حقه يوم حصاده و لا تسرفوا إنه لا يحبّ المسرفين» (انعام، ۱۴۱) شاهد استدلال در آیه، سفارش به مصرف میوه های باغ هاست؛ ورود به باغ ها، چیدن و خوردن میوه های آن مطلوب شارع و مربوط به اوقات فراغت انسان است. امام صادق (ع) مطلوبیت مصادیقی از گذران اوقات فراغت را با بیان رفتارهای نشاط آور معرفی می کند: «النشرة في عشرة أشياء: المشي و الركوب و الإرتماس في الماء و النظر إلى الخضرة و الأكل و الشرب و النظر إلى المرأة الحسنة و الجماع و السواك و غسل الرأس بالخطمي في الحمام و غيره و

۱. اصطلاح «انقلاب نسبت» واژه ای تخصصی در علم اصول است و هنگامی استفاده می شود که در تعارض میان دو دلیل، دلیل سومی مطرح شود و با ظهور خود آن تعارض را برطرف کند. به رفع تعارض میان دو دلیل به واسطه ی یک دلیل دیگر، انقلاب نسبت گفته می شود.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

محادثة الرجال» (برقی، ۱۳۷۱، ۱، ۱۴-۱۵) این روایت بر اساس تجميع قرائن ذکر در دو کتاب حدیثی مورد اعتماد (محاسن و خصال) و تسامح در ادله سنن- معتبر است و شاهد در استدلال به حدیث، پنج مورد اول است: راه رفتن، سواره بودن، فرو رفتن در آب، نگاه به سبزه ها و خوردن و آشامیدن. تمام این موارد با بهره گیری از محیط زیست حاصل می شود. اگر استفاده حلال از محیط زیست در اوقات فراغت مطلوب شارع است، بر حاکم نیز واجب است بر اساس قاعده عدل و انصاف، دسترسی برابر مردم به محیط زیست برای گذران اوقات فراغت را فراهم نماید.

۴-۲-۴. کراهت گذران اوقات فراغت بدون رفتار هدفمند

در منابع دینی از گذران اوقات فراغت با رفتار های لغو، بیهوده و مانع از تلاش و کوشش نهی شده است. قرآن کریم در آیات نخست سوره انبیاء ابتدا از غفلت و لهو انسان سخن می گوید: «إقترب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون* ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث إلا استمعوه و هم یلعبون* لاهیة قلوبهم» (انبیاء، ۱-۳) و پس از اشاره به انکار کنندگان وحی، تذکر به هدفمندی خلقت را مطرح می کند: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما لالعین* لو أردنا أن نتخذ لهواً لإتخذناه من لدنا إن کنا فاعلین» (انبیاء، ۱۶-۱۷) آیه ۵۸ سوره قصص مضمونی نزدیک به این معنا دارد: «و کم أهلكنا من قرية بطرت معیشتها فتلك مساکنهم لم تسکن من بعدهم إلا قليلاً و کنا نحن الوارثین» شاهد استدلال به آیه، عبارت «بطرت معیشتها» است که دلالت بر نابودی جامعه بر اثر کثرت خوشگذرانی دارد. آیات ۱۶ اسراء و ۱۳ انبیاء نیز بر این مطلب دلالت دارند. صدوق در روایتی معتبر از رسول خدا (ص) نقل می کند که در تقسیم بندی اوقات فراغت فرموده است: «و علی العاقل ما لم یکن مغلوباً علی عقله أن یکون له ساعات: ساعة یناجی فیها ربه عزّ و جلّ و ساعة یحاسب فیها نفسه و ساعة یتفکر فیما صنع الله تعالی و ساعة یخلو فیها بحظّ نفسه من الحلال و إنّ هذه السّاعة عون لتک السّاعات و إستجمام للقلوب و تفریح لها» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ۳۳۴) سه فایده ای که پیامبر اکرم (ص) با عنوان «زمینه ی استفاده بهتر از لحظات دیگر زندگی»، «آسودگی» و «فراغت یافتن» برای زمان بندی چهارم- بهره مندی حلال از زندگی- ذکر می کند، به نوعی تعلیل و ذکر هدف از این مقطع در زندگی روزمره است. یعنی نباید شیوه گذران اوقات فراغت و تفریح در زندگی به گونه ای باشد که پس از اتمام آن، انسان از مسیر بندگی و هدف زندگی دور شود؛ هرچند زمان بندی تفریحی شرط عقل اوست. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۳۷۰ نهج البلاغه همراه با هشدار به معاد می فرماید: «أیها النّاس إتقوا الله فما خلق إمرؤ عبثاً فیلهو و لا تُرک سُدیّ فیلهو» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۵۴۰) امام رضا (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «کلّ ما ألهی عن ذکر الله فهو من المیسر» (طوسی، ۱۴۱۴، ۳۳۶) پذیرش اعتبار این روایت با تجميع قرائن- نقل در کتاب معتمد حدیثی و موافقت با قرآن و نصوص معتبر- صورت می پذیرد. روایات علوی (ع) مانند «من غلب علیه اللّهُ بطل جدّه» و «شرّ ما ضیع فیهِ اللّعب» در غرر الحکم (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۶۱) به عنوان مؤید بر این دیدگاه قابل استفاده است. نواهی این ادله در فقه خرد دلالت بر کراهت دارد اما مدلول آن در فقه نظام، حرمت ترویج رفتار های لغو و بیهوده و بی تفاوتی نسبت به رواج آن در مدیریت فرهنگی است زیرا رواج این پدیده در جامعه به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی به تعطیل برخی از سنت های حسنه ی فرهنگی اجتماعی- مانند همبستگی در تلاش و پیشرفت- می انجامد و جامعه را به سمت خوشگذرانی و عافیت طلبی می کشاند که قرآن کریم از آثار مخرب آن بر جامعه هشدار داده است. یعنی حمایت از رشد و ارتقای نظام های اجتماعی با هدفمندی رفتارهای اجتماعی ارتباط دارد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

۵-۲-۴. محرّمات اوقات فراغت

ضرر رساندن به خود -مانند استفاده از دخانیات و مواد مخدر-، هتک حرمت یکدیگر، استفاده از مسکرات، ابزار آلات غنا و رفتار های لهوی و شهوانی خاص -مانند روابط جنسی و رقص با جنس مخالف در خارج از چارچوب شرع- رفتار های ممنوع در گذران اوقات فراغت به شمار می آیند. ادلّه ی تحریم این رفتارها به ترتیب، قاعده لا ضرر، قبح عقلی هتک حرمت، آیات ۲۱۹ سوره بقره و ۹۰ سوره مائده، ۳۰ حج و ۲ نور است. امام صادق (ع) در صحیحہ ابو بصیر درباره حکم آوازه خوان در مجالس عروسی می فرماید: «أجر المغنیة الّتی تزف العرائس لیس به بأس و لیست بالّتی یدخل علیها الرّجال» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۱۲۱) صاحب مفتاح الکرامة پس از نقل شهرت فقها در عمل به این روایت، درباره دلالت آن می نویسد: «مراد از عدم ورود مردان در این مجلس، نشنیدن صدای غناست؛ هرچند در آن داخل نشوند. این حکم مربوط به وقتی است که مردان نامحرم حاضر باشند و احتمال عموم [در واژه الرّجال] به دلیل اطلاق نص می رود.» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۱۲، ۱۷۶) البته انصراف «الرّجال» به نامحرمان بر اساس مناسبات حکم و موضوع و آیه ۳۱ سوره نور است که مانع از ظهور اطلاق در روایت می شود. با توجه به امتداد تحریم این رفتارها در فقه نظام و وجوب امر به معروف و نهی از منکر، واجب است حکمرانان با اعمال مدیریت فرهنگی، مقدّمات و آثار این گناهان را در جامعه برطرف سازند.

۳-۴. احکام برنامه ریزی فرهنگی در عناصر مرتبط با اوقات فراغت در فقه نظام

۱-۳-۴. وجوب تحکیم عدالت در فرهنگ شغلی حاکم بر روابط کارگر-کارفرما

اوقات فراغت پس از تعریف زمان فراغت از اشتغال مطرح می شود و از دو جهت قابل بحث است: لزوم بهره وری شغلی با لحاظ اوقات فراغت و حق کارگر بر گذران اوقات فراغت در برابر تقسیم وظایف از سوی کارفرما. به عبارت دیگر، کارفرما نمی تواند با استفاده ابزاری از کارگر، حق رفاه و فراغت را از او سلب نماید تا سود آوری بیشتری به دست آورد؛ این اقدام مانع از شکل گیری فعالیت های بهینه شغلی در واحد های تولیدی می شود و چرخه ی عادلانه نظام اقتصادی را مختل می کند. رسول خدا (ص) در ضمن حدیث مناهی می فرماید: «من ظلم أجبیراً أجرته أحبط الله عمله و حرّم الله علیه ریح الجنّة و إنّ ریحها لیوجد من خمس مائة عام» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹، ۱۰۷) امام صادق (ع) نیز در صحیحہ ابن ابی عمیر می فرماید: «ما قدّست أمّة لم یؤخذ لضعیفها من قویّها غیر متّعت» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶، ۱۲۰) با توجه به مجموعه ی روایات در صور استحباب و کراهت گذران اوقات فراغت و قواعد فقهی عدل و انصاف و حرمت تعطیل سنّت و با نظر به روایات مربوط به حرمت تزییع حقوق کارگران، استفاده می شود شکل گیری فرهنگ شغلی چه به صورت فرار شغلی ناشی از عافیت طلبی و چه تشدید فعالیت بر کارگران -بیش از حد توان و مانع از گذران اوقات فراغت- ممنوع است. آن چه گفته شد در نظام رفتاری حاکم بر روابط کارمند و رئیس در نظام های اداری قابل تطبیق است.

۲-۳-۴. وجوب تعلیم و ترویج شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت در فرهنگ خانواده

قرآن کریم می فرماید: «یا ایّها الذّین آمنوا قو أنفسکم و أهلیکم ناراً وقودها النّاس و الحجارة» (تحریم، ۶) یعنی سرپرست موظف به رعایت واجبات و ترک گناهان توسط خانواده خود است؛ چنان که لقمان در سفارش های متعدد،

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

فرزندش را رهنمون می شد: «یا بنیٰ إناها إن تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره أو فی السماوات أو فی الأرض یأت بها الله إن الله لطیف خبیر* یا بنیٰ أقم الصلاة و أمر بالمعروف و إنه عن المنکر و إصبر علی ما أصابک إنّ ذلك من عزم الأمور* و لا تصعّر خدک للناس و لا تمش فی الأرض مرحاً إنّ الله لا یحبّ کلّ مختال فخور* و إقصد فی مشیک و أعض من صوتک إنّ أنکر الأصوات لصوت الحمیر» (لقمان، ۱۶-۱۹) امیرالمؤمنین (ع) نیز در وصیت به امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: «إنّما قلب الحدث کالارض الخالیة ما ألقى فیها من شیء قبلته فبادرتک بالادب قبل أن یقسو قبلک و یشغل لبک» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۳۹۳) از این روایت استفاده می شود باید تربیت فرزند قبل از شکل گیری موانع تربیتی انجام شود و فرهنگ خانواده نیز در همین دوره تربیتی تثبیت می شود. امام صادق (ع) در موقوفه ی حسین بن سالم می فرماید: «آیما ناشی نشأ فی قومه ثمّ لم یؤدّب علی معصیة فإنّ الله عزّ و جلّ أوّل ما یعاقبهم به أن ینقص من أرزاقهم» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۲۲۳) امام کاظم (ع) در صحیحہ اسماعیل بن موسی به نقل از رسول خدا (ص) می فرماید: «علّموا أبناءکم السباحة و الرّمی» (ابن اشعث، بی تا، ۹۸) از مجموعه ی این ادله استفاده می شود مدیریت فرهنگی خانواده در جهت تعلیم معروف و منکر از الزامات تربیت در نظام خانواده است. با توجه به حرمت تعطیل سنت در فقه نظام، واجب است فرهنگ خانواده در سطح کلان جامعه به گونه ای برنامه ریزی شود که صورت های استحباب، کراهت و حرمت در گذران اوقات فراغت نادیده انگاشته نشود.

۳-۳-۴. احکام مربوط به متغیر های آموزشی و شخصیتی

آن چه گفته شد در متغیر آموزشی گذران اوقات فراغت نیز مطرح است؛ به عبارت دیگر، تربیت فرهنگی دانش آموختگان، پیوند میان دو حوزه ی نظام مدیریت فرهنگی و نظام آموزشی است و باید مبتنی بر قواعد فقهی مطرح شده و برنامه ریزی فرهنگی، تعلیم و ترویج سبک زندگی مطلوب در گذران اوقات فراغت مورد اهتمام واقع شود. احکام متغیرهای شخصیتی هم در ذیل دو نظام آموزشی و خانواده شکل می گیرد.

۵. راهکارهای اجرایی در برنامه ریزی اوقات فراغت

از آن جا که از یک سوی، تبیین فقه نظام متفرع بر ارائه ی نظریه ای در نظام است که از قرآن کریم استفاده می شود و از سوی دیگر، باید راهکارهای اجرایی مبتنی بر نظریه ی علمی باشد؛ با توجه به نظریه ی مدیریت فرهنگی در قرآن کریم، راهکارهایی در حوزه برنامه ریزی فرهنگی اوقات فراغت پیشنهاد می شود. به طور کلی، بخشی از نظریه قرآنی در مدیریت فرهنگی را -که با روش تفسیر استنتاجی^۱ به دست می آید- این ویژگی ها تشکیل می دهد: تقسیم جامعه ی هدف به مؤمنان، منکران و مستضعفان (حمد، ۷ و فاطر، ۳۲)، مدیریت نخبگانی فرهنگ با رهبری و نیروی اجتماعی مؤمنان (آل عمران، ۵۲، انبیاء، ۷۴ و ۷۹، قصص، ۱۴، غافر، ۲۸-۳۵ و ۳۸-۴۴، طه، ۹۶ و حجرات، ۱۵)، ظرفیت شناسی جامعه هدف و طبقه بندی فرهنگی (احزاب، ۳۲، فاطر، ۲۲، شعراء، ۳۳ و ۲۱۴، زخرف، ۴۰ و روم، ۵۲ و ۵۳) و تکیه بر اصول برهان محوری (قصص، ۳۲)، تبیین (شعراء، ۳۰، مریم، ۹۷ و نحل، ۳۹)، تحمّل اجتماعی (ابراهیم، ۴)، آموزش تربیت محور (آل عمران، ۱۹، ۷۹ و ۱۳۵ و مائده، ۱۰۵)، محوریت امر به

۱. تفسیر استنتاجی، روش تفسیر موضوعی قرآن کریم در مکتب شهید صدر (ره) است.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

معروف و نهی از منکر در روابط درون فرهنگی (مؤمنان) و دعوت به خیر در روابط میان فرهنگی (مستضعفان و منکران) (آل عمران، ۱۰۴، نحل، ۱۲۵، یونس، ۸۴، طه، ۸۶ و ۹۷ و نوح، ۵-۲۰) و اعراض از ناهنجاری ها پس از بیان تبلیغی (شعراء، ۲۱۴ و ۲۱۵). با نظر به همین ویژگی ها و عناصر چهارگانه ی شکل دهنده ی اوقات فراغت، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱-۵. اصلاح مدیریت رسانه ای و تأثیرگذاری عمومی

می توان با تکیه بر راهبرد «انحصار تأثیرگذاری فرهنگی در نخبگان» در رسانه ها، سطوح تأثیر گذاری بر اندیشه و رفتار مردم را مدیریت کرد. تأثیر گذاری بر مردم نیازمند کسب اعتبار اجتماعی است و این اعتبار با دو عنصر شهرت و جلب اعتماد تحقق می یابد. رسانه ها با مدیریت افکار عمومی، این شهرت و اعتماد را فراهم می کنند و از طریق آن بر مردم تأثیر می گذارند. بسیاری از خطاهای رفتاری در فرهنگ عمومی ناشی از خطاهای رفتاری تأثیرگذاران است.

۲-۵. افزایش آگاهی عمومی در حوزه اوقات فراغت با آموزش تربیت محور

تحقق رفتار انسانی معلول نوع بینش و گرایش انسان به آن است. اگر منشأ خطاهای رفتاری، فقط بینشی باشد با آموزش، آگاهی بخشی و تصحیح ذهنیت ها و اگر ریشه در گرایش هم داشته باشد با تربیت و نظارت اصلاح می شود. چنان که امام سجاد (ع) درباره این ارتباط می فرماید: «اللهم و ما سؤل لنا من باطل فعرّفناه و إذا عرفتنا فقناه ... اللهم و أشرب قلوبنا إنکار عمله.» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، ۸۶) از این دعا استفاده می شود که معرفت اجتماعی به انحرافات و پس از آن، پذیرش قلبی موجب اصلاح جامعه می شود. بنابر این، آموزش با القای داده ها و تربیت با ایجاد انگیزه و شوق صورت می گیرد. این راهکار به نسبت وضعیت شغلی، رده های سنی و فرهنگ خانواده ها، زمینه های عملی متفاوتی می یابد. زیرا هر کدام از این متغیر ها، انتظارات متفاوتی را از اوقات فراغت رقم می زند و تفاوت در انتظارات موجب تفاوت در رفتار ها می شود. انتظارات عمومی گاه برخاسته از مطالباتی واقعی، عادلانه و مشروع و گاه برساخته و متأثر از اوضاع سیاسی و اقتصادی و فضای رسانه ها در جامعه است. ایجاد تعادل در این انتظارات، راهبردی است که حاکم بر راهکار های آموزشی در عرصه مدیریت فرهنگی است.

۳-۵. تصویب و اجرای قانون «حمایت از گذران اوقات فراغت»

راهکار سوم، جنبه ی حقوقی دارد و پیشنهاد می دهد تا اسباب، موانع و شرایط گذران اوقات فراغت در دو بخش فراغت شهری و فراغت گردشگری شناسایی شود و گونه های عرفی و مذهبی آن مد نظر قرار گیرد. آن چه در این مقاله گذشت، مبانی فقهی این قانون پیشنهادی است که می تواند شامل این موارد شود:

۱-۳-۵. الزام وزارت های ورزش و جوانان و فرهنگ و ارشاد اسلامی به حمایت از فعالیت های هنری

۲-۳-۵. الزام شهرداری ها به توازن ساختاری شهر در تأمین فضاهای سبز و بوستان ها

۳-۳-۵. الزام نهاد های فرهنگی و شهرداری ها به حمایت از فعالیت های دینی مساجد، جذب نمازگزاران، برنامه های مذهبی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- ۴-۳-۵. الزام وزارت کار، تعاون، رفاه و امور اجتماعی به حمایت از کارگران در حق بر فراغت
- ۵-۳-۵. الزام رسانه های رسمی به آموزش تربیت محور پیرامون اوقات فراغت و تدوین دوره هایی برای مشارکت رسانه های غیر رسمی در این مهم
- ۶-۳-۵. الزام معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به تعلیم و ترویج شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت در فرهنگ خانواده
- ۷-۳-۵. الزام سازمان حفاظت از محیط زیست به حمایت از استفاده از محیط زیست در گذران اوقات فراغت
- ۸-۳-۵. الزام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به حمایت از گذران اوقات فراغت در مجموعه های تاریخی و فرهنگی برای افراد کم بضاعت و بی بضاعت
- ۹-۳-۵. الزام وزارت راه و شهرسازی و شهرداری ها به فراهم شدن مرکزیت و محوریت مسجد در شهر، شهرک و محله
- ۱۰-۳-۵. الزام وزارت راه و شهرسازی به حمایت از تأسیس مراکز تفریحی بین راهی با اولویت مناطق محروم و امکان استفاده برای افراد کم بضاعت و بی بضاعت
- ۱۱-۳-۵. الزام وزارت های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات، فناوری به تعلیم و ترویج شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت

۶. جمع بندی

برنامه ریزی فرهنگی در اوقات فراغت به عنوان یک موضوع مرکب فقهی و مسأله ای اجتماعی، الزاماتی شرعی دارد که در فقه نظام مدیریت فرهنگی تبیین می شود. از این منظر، بر حکمرانان واجب است بر اساس چهار قاعده ی فقهی انکار بدعت، حرمت تعطیل سنت، اقامه حق و عدل و انصاف به تعدیل سبک زندگی موجود در گذران اوقات فراغت از طریق مدیریت فرهنگی اقدام کنند. از مجموعه ادله قرآنی و روایی استفاده می شود گذران اوقات فراغت به صورت جمعی و استفاده از محیط زیست مستحب است. گذران اوقات فراغت شامل مکروهات و محرماتی است و باید حکمرانان موضع سلبی نسبت به آن داشته باشند و عناصر مرتبط با آن، چهار متغیر شغلی، خانوادگی، آموزشی و شخصیتی است و واجب است برنامه ریزی فرهنگی ناظر به تحکیم عدالت در فرهنگ شغلی حاکم بر روابط کارگر- کارفرما و کارمند- رئیس باشد و شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت را در فرهنگ خانواده، تعلیم و ترویج دهد. این برنامه ریزی در راستای تمدن سازی از مسیر فرهنگ مطلوب است و از این منظر با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارتباط می یابد.

فهرست مراجع

قرآن کریم

- ابن اشعث، محمد بن محمد. (بی تا). الجعفریات. تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اراکي، محسن. (۱۳۹۷). فقه عمران شهری جلد اول. قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- استونر، جیمز ای. اف، فری من، آر. ادوارد و گیلبرت، دانیل، آر. (۱۳۷۹). مدیریت: مقدمه ای بر مدیریت، مدیریت در قرن بیست و یکم، برنامه ریزی. ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. تصحیح مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۹۵). جهان های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- حسینی عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- چابکی، ام البنین. (۱۳۹۲). جهانی شدن و تغییر سبک گذران اوقات فراغت مطالعه موردی شهر تهران. زنان و خانواده. ش ۲۵. ص ۱۴۹.
- دومازدیه، ژوفر. (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسانه. ترجمه م. آدینه. فرهنگ و زندگی. ش ۱۲. صص ۱۶-۱۹.
- شریف رضی، محمد حسین. (۱۴۱۴). تصحیح صبحی صالح. نهج البلاغه. قم: هجرت.
- صالحی امیری، سید رضا و عظیمی دولت آبادی، امیر. (۱۳۸۷). مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۱۷). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الأمالی. قم: دار الثقافه.
- علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم. (۱۳۷۶). الصحیفه السجادیه. قم: الهادی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). بررسی در جامعه شناسی فرهنگی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- میر باقری، سید محمد مهدی، عبد اللهی، یحیی و نوروزی، حسن. (۱۳۹۵). فقه حکومتی از منظر شهید صدر (ره) با مرور ویژگی های فقه نظامات. راهبرد فرهنگ. ش ۳۶. صص ۶۲-۶۳ و ۸۶.